

۲۱۳.۸۸۷
فهر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه: حقوقی بنیاد، رضا
عنوان و نام پندیاو: بی خیال آزادی (لطیفه ها و شوخ طبعی های اسارتگاه)
تألیف: رضا حقوقی بنیاد.

موضوعات نشر: قسم: نسیم حیات، ۱۳۹۹.

موضوعات نشر: ۲۱۲ ص.

شابک: ۹-۴۴۰۳۹۷-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: قیفا.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- آزادگان -- خاطرات

موضوع: Iran-Iraq War -- ۱۹۸۸-۱۹۸۹ -- Diaries* -- Released captives

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- اسیران -- خاطرات

موضوع: Iran-Iraq War -- ۱۹۸۸-۱۹۸۹ -- Diaries -- Prisoners and prison

موضوع: اسیران جنگی -- ایران -- خاطرات

موضوع: Iran -- Diaries -- Prisoners of war

موضوع: شوخی ها و بذله گویی های فارسی - قرن ۱۴

موضوع: Persian wit and humor - ۱۴th century

رده بندی کنگره: ۱۶۳۸DSR

رده بندی دیویی: ۸۳۳۹۳۳ / ۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۶۶۵۹۹۵۷

بی خیال آزادی

لطیفه ها و شوخ طبعی های اسارتگاه

تألیف: رضا حقوقی بنیاد

بی خیال آزادی

(لطیفه‌ها و شوخ طبعی‌های اسارتگاه)

تألیف: رضا حقوقی بنیاد
ناشر: نسیم حیات
طراح روی جلد: نرگس جمالی
تیراژ: ۱۰۰۰
چاپخانه: وفا
نوبت و تاریخ چاپ: اول ۱۳۹۹
شابک: ۹-۳۹۷-۴۴۰-۶۰۰-۹۷۸
قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، پلاک ۳

انتشارات نسیم حیات

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۹۷۵۰-۲ همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۹۵۶۴

تقدیم به:

روح تابناک پرچمدار صبور آزادگان حضرت
امام سجاد علیه السلام و قهرمان بی بدیل دشت
خونین کربلا حضرت زینب کبری علیه السلام . و
تقدیم به پرستوهای خونین بالی که در
غربت قفس جان باختند و در کوچ بهاره به
بوستان وطن بازنگشتند .

تقدیم به شهدای غریب دیار غربت و
اسارت و به روح بلند مجاهد نستوه
شهید محمد جواد تندگویان و سید
آزادگان مرحوم سید علی اکبر ابوترابی
و تقدیم به آزادگان عزیزی که دست و
پایشان در خاک دشمن جا ماندنایک
و جب از خاک این کشور در دست دشمن
نماند . و کسانی که جسم مجروح و پیکر
خون آلودشان زیر پای مزدوران استکبار
لگد مال شد تا عزت و شرف مالگد مال
دشمنانمان نشود .

فهرست مطالب

۱۱.....	اشاره
۱۵.....	مقدمه
۲۱.....	۱ پدرتونو در میارم
۲۳.....	۲ تزریق از پشت نرده‌ها
۲۵.....	۳ بازهم جهالت بعثی‌ها
۲۸.....	۴ ابله‌تراز فرمانده
۲۹.....	۵ جرم اهانت به یزید و بنی امیه
۳۱.....	۶ موش دوانی تاریخی
۳۶.....	۷ جرم حاج صدام
۳۸.....	۸ مگر من مورچه‌ام؟!
۴۲.....	۹ عبا را گذاشت کابل را برداشت!
۴۶.....	۱۰ شیرتوشیره یا.....
۴۸.....	۱۱ خدا این نعمت را از تو بگیرد
۵۰.....	۱۲ به حال خودتان گریه کنید
۵۲.....	۱۳ تو باید ح.خ. شوی!
۵۴.....	۱۴ فرمانده زوری
۵۷.....	۱۵ کارگران و کشاورزان مترجم
۵۹.....	۱۶ آشپزهای آرییچی زن
۶۱.....	۱۷ دو نکته از روزگاران

۶۳.....	۲ نکته دیگر.....	۱۸
۶۴.....	مگه خدا عربی؟.....	۱۹
۶۵.....	یک مسواک برای چهار نفر.....	۲۰
۶۸.....	تو بِنّا هستی؟.....	۲۱
۷۲.....	بابایی باید فرمانده باشد!.....	۲۲
۷۴.....	دست از پا درازتر.....	۲۳
۷۷.....	اَمَن یُجیب! برای نابودی صدام.....	۲۴
۷۹.....	صدام رهبر بزرگ یا...؟!.....	۲۵
۸۱.....	خودم عربی بلدم.....	۲۶
۸۲.....	دقیقه‌ها صبر!.....	۲۷
۸۳.....	دعا برای صدام.....	۲۸
۸۴.....	پروفسور YES, NO!.....	۲۹
۸۷.....	حکایت جاسوس ساده لوح!.....	۳۰
۹۱.....	ضد انقلاب انقلابی!.....	۳۱
۹۵.....	رژه شیلنگ عمل.....	۳۲
۹۸.....	نماز پشت به قبله.....	۳۳
۱۰۱.....	آقای اپوزسیون!.....	۳۴
۱۰۳.....	مجازات یک ساعت پاسداری.....	۳۵
۱۰۶.....	اشاره ۲.....	۳۶
۱۰۹.....	تهران کجاست؟ (۱).....	۳۷
۱۱۱.....	تهران کجاست؟ (۲).....	۳۸
۱۱۳.....	دوش شربت.....	۳۹
۱۱۶.....	اهدای مدال مهربانی به صدام!.....	۴۰

۴۱	حمله اف چهارده ها!..... ۱۱۹
۴۲	اسرای ایرانی در شهر بازی!..... ۱۲۱
۴۳	به زور آدم به جبهه نه به زور..... ۱۲۴
۴۴	بغداد بیا بالا!..... ۱۲۶
۴۵	خاطره دوم..... ۱۲۸
۴۶	شجاعت زیادی..... ۱۲۹
۴۷	ما افتخار نمی دهیم صدام کنار ما بایستد!..... ۱۳۱
۴۸	کشتی گیر مریض..... ۱۳۳
۴۹	منیم شهریم ماکودی..... ۱۳۵
۵۰	سند جنایت..... ۱۳۷
۵۱	پمپاژ خطرناک!..... ۱۳۹
۵۲	معرکه گیری برای «مادص» ابله!..... ۱۴۱
۵۳	نامه های شفاف بخش..... ۱۴۴
۵۴	درس های اسلام شناسی فرمانده عراقی..... ۱۴۶
۵۵	صدای شرشر چکمه ها!!..... ۱۵۰
۵۶	خندیدن به اندازه تمام سال های اسارت..... ۱۵۴
۵۷	نه خیر این خر «واسه ماست!»..... ۱۵۷
۵۸	یوم الحلیم یا یوم ال..... ۱۵۸
۵۹	بیچاره حمید ثماله..... ۱۶۲
۶۰	بازی با کلمات..... ۱۶۴
۶۱	آزادی جوجه از اسارت صدام!..... ۱۶۸
۶۲	شوخی خطرناک با جمیل!..... ۱۷۰
۶۳	وَبَرْجَوِيَّ!!..... ۱۷۴

دعاهای ضد حال !	۶۴
۱۷۷	
هوا ابریه	۶۵
۱۸۰	
بی خیال آزادی (۱)	۶۶
۱۸۲	
بی خیال آزادی (۲)	۶۷
۱۸۵	
تئاتر در اسارتگاه	۶۸
۱۸۷	
نوحه خوانی به سبک داریوش	۶۹
۱۸۹	
دعای من درآوردی !	۷۰
۱۹۱	
من همه را با یه چشم نگاه می کنم	۷۱
۱۹۳	
روزهای تلخ و شیرین و بیاد ماندنی اسارت	۷۲
۱۹۵	
سبزی خوش خبر	۷۳
۱۹۷	
شوق زیارت	۷۴
۱۹۹	
برگ لیمو	۷۵
۲۰۰	
تلخ و شیرین	۷۶
۲۰۲	
آزادی	۷۷
۲۰۴	
فهرست منابع	۲۰۶
۲۰۶	

«آن‌ها تازیانه‌های خود را نواختند و از آسایشگاه خارج شدند. با صدای قفل شدن درب آسایشگاه چیزی که عجیب بود، برخاستن اسرا از روی زمین و دلجویی از دوستان خود بود. این بزرگواران با داشتن جراحات‌های شدید باز هم برای بالا بردن روحیه‌ها و خنداندن همدیگر لطیفه می‌گفتند. هرکسی خاطره‌ای می‌گفت و به دیگران روحیه می‌داد.»^۱

به خاطر کینه و عداوت دیرینه‌ای که نظامیان یزید صفت عراقی از رزمندگان اسلام داشتند، در اسارتگاه‌های خود شرایطی بوجود آورده بودند که، در مدت کوتاه، نوجوانان را پیر و سالخوردگان را از پای می‌افکند. این وضعیت خشن و غیرقابل تحمل در اکثر ایام اسارت شباهت‌های زیادی با بدترین شکنجه‌گاه‌های دیکتاتورهای ظالم و مخوف‌ترین زندان‌های

تاریخ داشت.

با وجود این، دلیرمردان ایرانی که در جبهه‌ها با قدرت ایمان و انگیزه‌های الهی و روحیهٔ سلحشوری و با اقتدا به علمدار کربلا، بدون هیچ ترس و واهمه‌ای تا قلب سپاه تا دندان مسلح دشمن نفوذ می‌کردند، در اسارتگاه‌های خوفناک دشمنان بعثی نیز با تأسی از صبر انقلابی سالار آزادگان حضرت زین العابدین (ع) و قهرمان کربلا حضرت زینب (ع) شکنجه‌ها و آزارهای خشن و کشندهٔ آن‌ها را به بازی و شوخی گرفتند و با صبر و استقامت خود در کنار مجاهدات ملت فداکار ایران و با رهبری داهیانهٔ امام راحل (ع)، صدام و اربابانش را مجبور به پذیرش خواسته‌های به حق ملت ایران نمودند.

وجود ده‌ها جلد کتاب با موضوع «شوخی‌ها و فرهنگ جبهه» نشان از ایمان استوار و روحیهٔ شاد رزمندگان اسلام در جبهه‌های جنگ و انتقال همین روحیه به اردوگاه‌های اسارت دارد.

اسرای عزیز ما با برنامه ریزی‌ها و مدیریت هوشمندانهٔ خود «اسارت (را) قطعه‌ای از بهشت» و

«اسارت (را) جبهه‌ای دیگر»^۱ کرده بودند. آن‌ها برای غلبه بر انواع بیماری‌های روحی و جسمی، با تحرک و ورزش حتی در اتاق‌های تنگ و تاریک و با امکانات ناچیز سعی می‌کردند روزهای سخت اسارت را پشت سر بگذارند. برای نمونه به یک خاطره از کتاب نفیس «من زنده‌ام»، (خاطرات خواهران امدادگر اسیر در زندان‌ها و اسارت گاه‌های عراق) اشاره می‌گردد.

«با جمع‌آوری مقداری پلاستیک و پنبه از این طریق همراه با مقداری از موهایی که مثل برگ‌های پاییزی از سرما می‌ریخت، با گره زدن آن‌ها به هم توانستیم طناب بلندی درست کنیم. روزانه طناب می‌زدیم تا وضع جسمی و حرکتی مان بهتر شود.»^۲

آن‌ها برای چیره شدن بر شب و روز تکراری و شکنجه‌های روحی، مدارسی راه اندازی کرده بودند که در کلاس‌های آن (در حالی که داشتن یک مداد به

۱. عنوان دو کتاب منتشر شده در مورد آزادگان استان اصفهان.

۲. من زنده‌ام، ص ۲۶۶ (کتاب پر مخاطبی که در کمتر از سی روز بیش از سی بار تجدید چاپ و تا حالا (۱۳۹۹) بیش از دویست بار در تیراژهای بالا تجدید چاپ شده است).

اندازهٔ بند انگشت مجازات مرگ و زندان‌های انفرادی در پی داشت) از قرآن و حدیث گرفته تا رشته‌های کشاورزی، صنعت، هنرهای دستی و تجسمی، صنایع غذایی، ورزشی و زبان‌های بین‌المللی تدریس می‌شد.

«آزادگان شایسته پاداشی جز احترام و
بزرگداشت نباشند.»^۱ امام علی (ع)

در حالی که مشغول مطالعه کتاب‌های مربوط به
زندگی نامه و خاطرات آزادگان سرافراز بودم، همواره
در این اندیشه بودم، در عصری که شگفتی‌ها و عجایب
فریبنده فضای مجازی نوجوانان و جوانان عزیز را
مجدوب خود نموده است، چگونه می‌توان آن‌ها را با
حقایق مربوط به جان فشانی‌ها و دنیای سخت
رزمندگان و اسراء آشنا نمود. با استفاده از تجارب چندین
ساله در آموزش و پرورش و حضور چندین ساله
در عرصه‌های پرورشی و تربیتی و برگزاری نمایشگاه‌های
کتاب در مدارس و نیز مشاهده استقبال کم نظیر دانش

آموزان برای تهیه کتاب‌هایی که در قالب لطیفه، چیستان و داستان چاپ و عرضه می‌شد انگیزه‌ای دربرنده به وجود آمد، تا با استفاده از اقبال عمومی دانش آموزان از این گونه موضوعات، گوشه‌ای از حوادث و خاطرات باور نکردنی اسارت گاه‌های عراقی را در قالب لطیفه و طنز تهیه و برای بهره‌مندی نسل جدید آماده نمایم.

ما در این کتاب تعدادی از خاطرات خوب و شیرین را که از زلالی و پاکی روح بلند اسرای سرفراز نشأت می‌گرفت و نشان می‌داد که این‌ها، شکنجه و تنبیه‌های وحشیانه عراقی‌ها و حتی مرگ را به سخره گرفته بودند، جهت آشنایی نوجوانان و جوانان عزیز و نسل‌های آینده ثبت کرده‌ایم.

یکی دیگر از اهداف نگارنده معرفی آثار برجای مانده و میراث گرانبهای دلاور مردان کشورمان و آشنا نمودن خوانندگان عزیز با کتاب‌های مربوط به خاطرات آزادگان حماسه آفرین می‌باشد، که در پاورقی و فهرست منابع به تعدادی از این کتاب‌ها اشاره شده تا قهرمانان

اصلی این آثار در پیچ و خم زندگی دچار غفلت و فراموشی نشوند.

چنان که می‌دانیم واژه «اسارت» عبارت غم انگیزی است و لفظ اسارتگاه در عنوان کتاب به ما می‌گوید، ممکن است مزه و طعم تعدادی از لطیفه‌ها بوی تازیانه و کابل و شلاق دهد. اما مهم این است بدانیم که اسرای ایرانی چگونه زندگی می‌کردند، با چه موضوعاتی شاد و با چه مسائلی غمگین بودند و در روزها و سال‌های طولانی اسارت، که گاهی یک روز آن برابر با صدها روز دشوار افراد عادی بود، با تنهایی و غربت و دور از خانه و خانواده با شکنجه‌ها و خشونت‌های هولناک عراقی‌های کینه توز و کج فهم چگونه می‌ساختند و خم به ابرو نمی‌آوردند.

در اینجا لازم است تأکید کنم، هدف از نوشتن این خاطرات تفرقه افکنی و نفرت پراکنی نسبت به برادران مسلمان و محبان اهل بیت علیهم‌السلام در عراق نیست. کسانی که در زمان صدام علیرغم دیکتاتوری و خفقان جهنمی او، سپاه بدر را تشکیل داده و ما امروز نیز شاهد حضور

شجاعانه آن‌ها در جبههٔ مقاومت و مبارزه با داعشی‌ها و عوامل سر سپرده استکبار جهانی هستیم.

نا گفته نماند که از ده‌ها کتاب منتشر شده در مورد آزادگان عزیز در اینجا فقط به نام چند کتاب برجسته و پیر تیراژ اشاره شده و از هزاران صفحهٔ تورّق یافته، به این صفحات اندک و گلچین شده بسنده کرده‌ایم. به رسم امانت داری تا جایی که امکان داشت تلاش شده به نام راوی، زمان و مکان روایت نیز اشاره شود و عبارت کتاب‌ها عیناً نقل شود.

در نهایت خداوند مهربان را سپاسگزارم که بندهٔ حقیر را یاری نمود تا این خاطرات پراکنده را به مجموعه‌ای زیبا و خواندنی تبدیل نموده و به اندکی از منویات قلبی مقام معظم رهبری جامهٔ عمل بپوشانم. خاطرات ارزشمندی که به فرمایش رهبر عزیزمان حضرت آیت الله خامنه‌ای هر کدام از آن‌ها «یک ثروت ملی است». چنانچه معظم له فرموده‌اند: «من بارها گفته‌ام تا پنجاه سال دیگر هم اگر درباره این هشت سال دفاع مقدس حرف بزنیم و کار کنیم و کارهای نو

انجام بدهیم، زیاد نیست.»^۱

و نیز فرموده اند: «می توان حدس زد که آنچه در خلال بیانات و نوشته‌ها در مورد اسارت گفته شده است، یک بخش کوچکی است از یک داستان بلند و ما هم چنان احتیاج داریم که این داستان بلند را بشنویم... ما باید چندین برابر آنچه تاکنون کتاب نوشته شده است، در این خصوص کتاب داشته باشیم».^۲

این اثر نو برگ سبزی است از دهها دفتر خاطرات هشت سال رشادت و جان فشانی ملت حماسه آفرین کشورمان، برای نسلی که شاهد آنچه بر سر این آب و خاک آمده است نبوده‌اند.

در اینجا لازم است از تمامی بزرگوارانی که برای تدوین و چاپ این کتاب تلاش کردند، بویژه از همسر صبورم، دختر عزیزم واز آقایان: حاج عبدالحمید چکانی آذر رئیس دبستان غیرانتفایی تربیت، رضا

۱. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله) در ۳ خرداد ماه ۱۳۹۶

۲. فرازی از بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله) در ۲۳ مرداد ۱۳۹۶

کریمی مدیرمسئول انتشارات «نسیم حیات»، احمد حقوقی و سید مجتبی موسوی، مهدی فرمان زاده و خانم نرگس جمالی به خاطر همه تلاش‌ها و همراهی‌هایشان، تشکر و قدردانی بنمایم.

امید است این مجموعه به عنوان اثری ماندگار در تاریخ مقاومت میهنمان درگذر زمان موجب بهره‌مندی عموم از خاطرات اسوه‌های صبر و مقاومت تاریخ معاصر گردد.